

به زن ویرایشگر نسل اصلاح

ستمکش ز جرد یده پر ز حرمان
بشکل و قد قامت زور و توان
هشیوار؛ آگه و قوی زاعوان
یکی جفت تو نمند خوب جولان
به تمکین و صلابت بین گردان
به مقبولی چو مهر و ماه تابان
برمز زندگی در جنگلستان
میان گله؛ سره مرد میدان
که بود یکتا میان جمله اقران
برای نسل خوب پاپنده دستان
بدی در گله های نیمه حیوان
بدوران توحش بهر انسان
توتخم نیک پروردی بزهدان
تو پروردی بهین نازنینان
توژن قوی اصلاح شایان
تو کردی منتقل نطفه انسان
تو ای زن مادر نیکو سرشتان
بتو در آگهی و عقل و ایمان
بحلقه ای زر خلق لعل رخشان
ولیکن ارج تو دارند خلقان
ز چنگ تاجران ناموس فروشان
ترا بر روی دیده خلق جهان
هیولائی بود از اهریمنان

تو ای زن مادرو محکوم دوران
توبگزیدی زگله بهترین را
توبگزیدی به هشیاری یکی را
توبگزیدی زروی عقل و دانش
توبگزیدی خردمند مرد باهوش
توبگزیدی برایت جفت خوبرو
توبگزیدی برایت جفت آگه
توبگزیدی خردمند جفت زیبا
توبگزیدی برایت همسری را
توبگزیدی شکاری زورمندی
تو در فکر خود و در فکر نسلت
تو اس نسل اصلاح را نهادی
تو ای مادر تو ای آگاه دانا
تو در باغ جهان هستی خود
گزیدی؛ پروردی؛ کردی تکثیر
تو در قلب کروموزوم هستی
تو معمار و اساس گذار نیکی
بگیتی خلق عالم هست مرهون
تو ای زن مادر و خواهر نگینی
تلف گشته حقوقت ارچه عمریست
ترا آزاد کند از چنگ بیداد
نشانند بیگمان بر عرش رفعت
هرانکو قدر تو انکار دارد

